بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه10...29/6/99

مساله یک در ثوب مربیه : آیا مساله عفو فقط مربوط به لباس نجس مربیه هست یا شامل بدن هم میشود ؟ اگر بدن نجس شود در طول روز مثل لباس یک بار شستن شود یا نه؟

مرحوم سید ابتدا فرمود در الحاق بدن به لباس در مساله عفو از نجاست لباس محل اشکال است بخاطر فقدان نص و روایت که روایت ابی حفص مال لباس بود و مال بدن نبود بعد میفرماید البته خالی از وجه نیست و میتوان بدن را به لباس ملحق کرد یکی از مشایخ شهید ثانی اسید حسن است صاحب جواهر از ایشان نقل میکند که قائل به الحاق است. √ سه دلیل اقامه میکنند مرحوم سید :

دلیل اول : غالبا نجاست ازلباس به بدن خصوصا در تابستان سرایت میکند حتی در غیر تابستان که انسان مصرف آب دارد و بدن درگیر خیس شدن هست

دلیل دوم: اگر فتوا بدهی که لازم نیست لباس را بیش از یک بار بشوید ولی بدن را برای هر نماز بشوید مشقت لازم می آید

دلیل سوم : عدم الأمر دلیل علی عدمه همین اندازه که امام امر به شستن یک بار برای لباس کرد و امر به شستن بدن نداد دلیل است که تکلیفی برای شستن بدن نیست جواهر ج ۶ص۲۳۲

مرحوم صاحب جواهر به بعضی از این ادله پاسخ داد و برخی را خیر و معلوم است که ایشان الحاق را قبول دارد

اما اشکال ایشان مساله سرایت : سرایت نجاست لباس به بدن خارج از محل بحث ما است بحث ما بر روی تعدی و سرایت نیست بلکه بحث ما بر روی تعمیم و یا تخصیص عنوان است که آیا عنوان عفو نجاست ثوب مربیه تعمیم دارد و شامل بدن میشود یا تخصیص است و فقط اختصاص به لباس دارد ؟ لذا میتوانیم قاعده عدم زیادة الفرع علی الاصل جاری کرد که حکم فرع بیش از اصل نیست که وقتی لباس را یک بار بشویید نمی آید بگوید بدن را چند بار بشوی ولی آن دو دلیل دیگر را ایشان قبول دارد

اشکال استاد : اطلاق ادله مانعیت نجاست از نماز که روایت متعددی است که همه آنها مطلب است که نجاست مانع صحت نماز است این اطلاق کفایت میکند در عدم الحاق بدن به ثوب الا اینکه مخصص

یا اجماع یا روایت بیاید و آن روایت ابی حفص است که فقط اشاره به پیراهن کرد و متعرض شستن بدن نشد لذا این ۳تا دلیل فوق در مورد اطلاقات ادله مقاومت ندارد که مطلقا نماز در نجس باطل است

اللهم الا ان یقال : که از باب عسر و حرج شستن بدن را لازم ندانید در اینجا وجوب شستن بدن ساقط میشود مضافا اینکه امر برای شستن یک بار پیراهن آمده و اسمی از بدن نیاورده نشانه خوبی است که مقام عفو مربوط به ثوب است نه بدن و این دلالت اقتضایی است و حجت است مادامی که مانع نیاید